

آئینه و آفتاب حسن حکیم‌باشی

خدای رحمان با آفرینش انسان، ردای خلافت خویش را بر قامت او پوشانید و مظهر و مجلای صفات جلال و جمال خویشش گردانید تا با تقویمی احسن و تفضیلی بر دیگر آفریده‌ها و تکریمی شایسته بار امانتی را که آسمان و زمین و کوه‌ها نتوانستند کشید، در عین ظلومی و جهولی بر دوش کشد و حق عبادت و معرفت بر جای نهد. پس بیان را تعلیمش فرمود و پیام آورانی پی در پی فرستاد تا بر او بخوانند و بدو بیاموزند.

و چون نوبت به واپسین سفیر آسمانی رسید او را با کامل‌ترین دین و لبریزترین پیمان و پسندیده‌ترین آیین همراه ساخت تا رهنمون همواره و همیشه انسانها باشد. در نخستین گام مأمورش فرمود که: بخوان (اقرء) نیز معجزه همراه او را سخنی خواندنی (قرآن) نام نهاد که کتاب نیز بود، اما نه از نوع نوشتار. بدین‌سان قدسی‌ترین و گرامی‌ترین منشور آسمانی به زبان عربی مبین نازل شد؛ و والاترین پیامبر از میان قوم عرب برگزیده شد؛ چیزی که دلیل آن چندان روشن نیست و سخن در این زمینه بسیار. آیا علت را در ظرفیت نداشتن زبانهای دیگر باید جست، یا برتری جایگاه زبان عربی، یا آمادگی قوم عرب، یا پاک و پیراسته بودن ذهن و ضمیرشان از هر آموزه و نگره بشری، یا...

اما به هر روی از آن روز که پرتو آفتاب قرآن بر سرزمین‌های غیر عرب نشین تابیدن گرفت شور و شوق باز تاباندن آن در آئینه دیگر زبانها زنده شد و چه بسیار پوشش‌ها، کنکاش‌ها و نگرش‌ها از یک سو و واکنش‌ها و کشمکش‌ها از دیگر سو که رخ نمود. چندان که از نخستین سال‌های به به صحنه آمدن فن ترجمه قرآن تا به امروز و اکنون، سیر مدام این پوشش هرگز ایستایی نداشته و چنان می‌نماید که نخواهد داشت.

تلاش نافرجام انسان در برگردان شایسته و بایسته کلام حق که منشور هدایت و اعجاز نیز بوده، در گذار زمان به رغم همه مشکلات و دشواری‌ها توقف نیافته و هرگز و در هیچ زمانی حتی اهل آن زمان را قانع نساخته است، چوناکه پسین‌ترینان از این گروه نیز خود را در آغاز راه می‌بینند.

اقدام بسیاری از کسانی که به دلیل نابسندگی ترجمه‌های موجود دست به کار ترجمه می‌زنند یا داوری مترجمان صاحب نامی که حتی در سالهای اخیر ترجمه خود را از قرآن ارائه کردند شاهد صدق این دعوی است. نیز ویرایش‌های جدیدی که از ترجمه‌های معتبر در پی بازنگری‌ها و تلاش‌های تکمیلی برخی از مترجمان ارائه می‌شود شاهد دیگر این مدعا است. گاه دیده می‌شود که

مترجمی هنوز دو سه سالی از انتشار ترجمه‌اش نگذشته، به چاپ دوم با اصلاحات دست می‌یازد و از ترجمه چاپ نخست خود و اشتباهات و کاستی‌های موجود در آن تبری می‌جوید.

در طول تاریخ پر افت و خیز ترجمه قرآن، پرسش‌ها و چالش‌های بنیادینی مطرح بوده که موضوعات و سرفصل‌های فراوانی را پدید آورده از جمله: ماهیت ترجمه، روایی یا ناروایی ترجمه قرآن، ترجمه پذیری و ترجمه ناپذیری قرآن، جواز قراءت نماز با ترجمه قرآن، ضوابط و قواعد ترجمه، شرایط مترجم، تفاوت‌های ترجمه و تفسیر، شیوه بایسته ترجمه، ترتب احکام مربوط به قرآن بر ترجمه آن، علوم مورد نیاز در ترجمه قرآن، تأثیر تفسیر و اختلافات تفسیری در ترجمه، تفاوت ترجمه قرآن با دیگر متون، تعادل در کار ترجمه قرآن، میزان وفاداری به متن، تفاوت‌های دستوری زبان عربی و فارسی، مهارت‌های علمی و عملی لازم برای مترجم، مشکلات خاص ترجمه قرآن، هنر؛ فن یا علم بودن ترجمه، نقش پیش‌دانسته‌ها و باورها در کار ترجمه، منابع معتبر در کار ترجمه، میزان ضرورت ترجمه قرآن، چگونگی انتقال ابهامات موجود در متن به مترجم، میزان دخالت دادن تفسیر در ترجمه، میزان تأثیر ذوق ادبی و شاعرانه در کار ترجمه، میزان پای بندی به زبان تاریخی، ناهماهنگی‌های موجود میان زبان مترجم و زبان متن تأثیر تفاوت نگاه‌های متن محور، مخاطب محور و مؤلف محور در ترجمه، تأثیر تطورات تاریخی در کار ترجمه، نقش زبان‌شناسی در کار ترجمه، تأثیر آشنایی با فضای اول در کار ترجمه، اولویت داشتن ترجمه یا تفسیر، بسنده بودن ترجمه‌های موجود، امکان و عدم امکان ترجمه فردی موفق در قرآن، نقش جنسیت در ترجمه قرآن و...

حساسیت و اهمیت ترجمه در جهان امروز

اما اکنون کار ترجمه قرآن فراتر از تلاش علمی به عنوان رسالتی دینی و وظیفه‌ای قرآنی پیشاروی آشنایان با زبان وحی مطرح است. امروزه با نگاهی فراگیر به جهان اسلام شاهد این حقیقت غیرقابل انکار هستیم که با وجود سیل اتهاماتی که به سوی قرآن و اسلام روانه می‌شود و با حجم انبوه تلاشها و تبلیغ‌ها و تزویرهایی که جهان و جهانیان در جهت مشوه جلوه دادن چهره تابناک قرآن عظیم معمول می‌دارند، گرایش انسان‌های حقیقت‌جو و پاک فطرت به اسلام و قرآن روزافزون است و در این جهت هیچ آیینی را یارای رقابت با این آیین استوار نیست، گویی ورود فوج مردمان که در سوره نصر خوانده‌ایم در شأن امروز و این عصر است؛ یا تحقق وعده الهی که ظهور و چیرگی دین حق بر همه ادیان دیگر نوید داده در این زمان و این برهه است. دیگر سخن از روایی و ناروایی ترجمه قرآن به زبان‌های بیگانه نیست، چه آنکه ترجمه دروازه ملت‌ها و امت‌هایی است که رو به سوی اسلام و قرآن آورده‌اند، پس چه سان می‌توان به بستن این دروازه فتوی داد.

آری اینک رسالت ارائه ترجمه بایسته و شایسته از قرآن بیش از گذشته و با حساسیت هر چه تمام‌تر خودنمایی می‌کند.

تلاش‌ها و بایسته‌ها

در عرصه ترجمه قرآن به فارسی تلاش‌های گوناگونی جامه عمل پوشیده و اقدامات چندی بایسته می‌نماید:

الف. مهم‌ترین تلاش‌های انجام یافته تاکنون از قرار زیر است:

یک) ترجمه‌های صورت گرفته که افزون بر آن که نمونه‌ای از کار ترجمه پیشنهاد داده‌اند سیر تکامل آن را گامی به پیش برده‌اند و نکته‌های قوتی یا نقطه‌های عبرتی برای گام زنان بعدی ترسیم کرده‌اند.

دو) پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها و نقدها که در قالب مقاله یا کتاب یا بخشی از یک کتاب به نگارش در آمده‌اند و گاه مجموعه آنها به گونه ویژه نام‌هایی عرضه شده است، که این مجموعه را نیز در این شمار می‌توان جای داد.

یادآور می‌شود تنها در باب نقد ترجمه‌ها نزدیک به ۵۰۰ مقاله شناسایی و فهرست شده است.

سه) مرکز ترجمه قرآن به زبانهای خارجی از سالیانی پیش در قم بنیاد گرفته و تلاش‌هایی در خور تقدیر ارائه کرده و به گردآوری و نگهداری صدها ترجمه قرآن به زبانهای گوناگون جهان می‌پردازد و همچنین در کنار فعالیت‌های یاد شده به انتشار مجله‌ای تخصصی با نام «ترجمان وحی» در این راستا فعالیت دارد.

چهار) فرهنگنامه قرآن که به اهتمام بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس سامان یافته و معادل‌های فارسی هر واژه قرآن را با استفاده از ۱۴۲ ترجمه خطی موجود در کتابخانه ارجمند آستان قدس رضوی علیه السلام گردآوری و تنظیم الفبایی کرده است و بدین‌سان امکان معادل‌گزینی در بهترین شکل با استفاده از ظرفیت بالای زبان فاخر فارسی را فراهم ساخته است.

ب. اقدامات بایسته

آنچه گذشت تلاش‌های صورت گرفته بود اما به نظر می‌رسد اقداماتی در این زمینه بایسته است که همچنان برجای مانده کهب ه گونه شایسته انجام نپذیرفته از جمله:

۱) تأسیس کتابخانه تخصصی ترجمه قرآن که افزون بر ترجمه‌ها، همه منابع علمی، ادبی و فرهنگ‌ها و مراجع مورد نیاز مترجمان و ترجمه‌پژوهان و ناقدان را داشته باشد و به پیشرفته‌ترین ابزارها و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و نرم‌افزاری مجهز باشد.

۲) تأسیس پژوهشکده ترجمه قرآن که در آن به بررسی‌های نظری فنّ ترجمه بر اساس آخرین دستاوردهای دانش‌های مرتبط پرداخته شود و زمینه ساز تدوین نهایی‌ترین مبانی نظری فنّ ترجمه قرآن باشد، و در این جهت زیرساخت‌های معرفتی، کلامی، فقهی، ادبی و تفسیری ترجمه را مورد کاوش قرار دهد و همچنین ترجمه‌های صورت گرفته را به دست نقد و بررسی بسپارد.

۳) تدوین دائرة المعارف ترجمه که به شیوه مرسوم دائرة المعارف‌ها اطلاعاتی جامعه و بایسته از دستاوردها و دانستنی‌های مورد نیاز پژوهشگر ترجمه یا مترجم به دست داده آیینہ تمام‌نمای تلاش‌های صورت گرفته و اطلاعات موردنیاز باشد.

۴) تعریف رشته علمی «ترجمه پژوهی» به مثابه دانشی بایسته و سودمند و دارای اهمیت در عرصه آموزش‌ها و گرایش‌های درسی مراکز عالی آموزش حوزوی و دانشگاهی.

۵) زمینه سازی و فراهم آوردن بستر لازم جهت تولید و عرضه «ترجمه گروهی قرآن کریم».

این محور خود فصلی با اهمیت است که با عنوانی جداگانه بدان می‌پردازیم.

۶) همگانی سازی آشنایی با زبان عربی و فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی‌های لازم آموزش و پرورش و گارگاهی تا ترجمه‌های عرضه شده همانند تفاسیر، برای مخاطبان تنها نقش توضیحی داشته باشند و معنای ظاهری آیات بی‌نیاز به مراجعه به ترجمه در دسترس همه مخاطبان باشد.

ترجمه گروهی

در طول سده‌های گذشته افراد بسیار و چه بسا بی شماری به کار دشوار ترجمه قرآن دست یازیده‌اند. از مفسران چیره دست و فقیهان و نامدار گرفته تا ادیبان و شاعران و مؤلفان دیگر...؛ با داشتن شایستگی‌های لازم یا بدون آن، از سر درد و دغدغه و احساس تعهد یا از روی تقننّ و طبع آزمایی، سخت‌کوشانه و تلاش‌گرانه یا سست‌انگارانه و عافیت‌طلبانه. چنان که بسیاری از اهل نظر که در کار ترجمه متون عربی دستی چیره دارند از دست یازیدن به ترجمه قرآن تن زده‌اند و از دشواری و دست اندازی آن پروا کرده‌اند.

در چند دهه اخیر به برکت شکل‌گیری نظام اسلامی د رمهد زبان فارسی یعنی کشور ایران و حیات مجدّد ارزش‌های قرآنی در جامعه و رویکرد عمومی بدان، عرضه و تقاضای ترجمه‌های جدید رو به فزونی نهاده و هر از چندی ترجمه‌ای

تازه خودنمایی می‌کند، چندان که گزینش بهترین را در میان آنچه ارائه شده نیز دشوار می‌سازد.

به راستی پاسخ این پرسش که میان ترجمه‌های موجود، بهترین کدام است، ناممکن یا بس دشوار است؛ زیرا هیچ یک از ترجمه‌های موجود، واجد تمامی امتیازات و نقاط قوت نیست. زیبایی، روانی، دقت و وفاداری، سادگی و خوشخوانی، بلاغت و ادیبانگی و... امتیازاتی هستند که در یک ترجمه کنار هم نمی‌آیند.

از سوی دیگر چه بسا کار یک مترجم از نگاه خود او بهترین و دقیق‌ترین باشد و کاستی‌ها و اشتباهات ترجمه‌های قبلی را نداشته باشد، اما پس از انتشار و رویارویی با نگاه‌های نقادانه و ریزنگری‌های عالمانه اهل فن با انبوه نقدها و اشکالات روبرو گردد.

از جهت سوّم نیز اهل فنّ در مبانی و اصول ترجمه در بسیاری از موارد همراه و هم عقیده نیستند و در شیوه‌ها و قالب‌ها نیز اختلاف سلیقه بسیاری وجود دارد.

این همه بر این تأکید دارد که ترجمه فردی هرگز و هیچ‌گاه بی‌ایراد و کامل و نهایی حتی به گونه نسبی نخواهد بود. در این میان تلاش جمعی و ترجمه گروهی بایسته می‌نماید.

پیشنهاد ترجمه جمعی از گذشته‌ای نه چندان دور در ذهن برخی از اصحاب نظر مطرح بوده و بر لزوم آن تأکید شده و در نخستین شماره نشریه «ترجمان وحی»، اقتراح با حضور جمعی از صاحب‌نظران قرآنی برگزار گردید. همچنین اخیراً نمونه‌ای با عنوان نخستین ترجمه گروهی ارائه شده اما چندان توفیق نیافت، به گونه‌ای که از بسیاری از ترجمه‌های فردی نیز ضعیف‌تر و کم ارزش‌تر می‌نماید. باری آنچه در این عرصه به کار می‌آید و بایسته می‌نماید ترجمه‌ای است که جمعی از برترین صاحب‌نظران و متخصصان در زمینه‌های گوناگون مرتبط با موضوع، همانند تفسیر، ادبیات فارسی و عربی، فقه، کلام، تاریخ، حدیث، لغت، زبان‌شناسی، علوم طبیعی و... که چه بسا به ده‌ها تن می‌رسند در آن حضور داشته باشند و با دقیق‌ترین بررسی‌های اولیه در کار گروه‌های ویژه و مباحثات و کنکاش‌های علمی و با تقسیم وظایف و بر اساس نظرپردازی جمعی ترجمه نهایی را ارائه نمایند. نیز گروه یاد شده خود به تدوین و تنظیم شیوه نامه و آیین نامه مربوطه خواهند پرداخت. بر اساس شیوه نامه یاد شده در موارد اختلاف نظر و دیدگاه‌ها یکی از دو روش زیر در پیش گرفته خواهد شد:

۱ - رأی‌گیری و مبنا قرار دادن رأی اکثریت.

۲ - فصل الخطاب قرار دادن رأی بالاترین و جامع‌ترین مقام علمی که برگزیده از میان جمع و سر ویراستار علمی خواهد بود. این بنده سخت بر این باور است که عرضه کردن ترجمه فردی از این پس هرگز وظیفه و رسالتی بایسته و پسندیده نیست و سودی نخواهد بخشید. نیز بی‌صبرانه در آرزوی شکل‌گیری و تحقق‌پذیری آن پدیده علمی درخشان است. تا دستاورد آن، مورد اتفاق و تأیید همه افراد و مراکز علمی معتبر قرار گیرد و به عنوان ترجمه معتبر و معیار قرآن به زبان فارسی مرجع و مبنا و منشور رسمی جمهوری اسلامی برای همه فارسی‌زبانان معرفی گردد.

آنچه در این مجموعه گرد آمده تلاشی است ناچیز و در حدّ توان که در سه شماره عرضه می‌شود و بخشی از آنچه را در این باب باید گفت مطرح می‌سازد تا سهمی هر چند اندک در مسیر پرمخاطره بالندگی و پیشرفت ترجمه قرآن ایفا کرده باشد و گامی به پیش برده باشد. مقالاتی که در

این مجلد و در شماره بعدی (۴۴) خواهد آمد گاه به ترجمه قرآن به طور کلی و بیشتر به مسائل مرتبط با ترجمه قرآن به زبان فارسی ارتباط می‌یابد.

یاد یک خاطره

در پایان این نوشتار خاطره‌ای از یکی از عالمان بزرگان معاصر، علامه ذی‌فنون، فقیه وارسته و حکیم متأله، مرحوم آیه الله حاج آقا رحیم ارباب‌رحمه الله به نقل از یکی از استادان ادب فارسی آورده می‌شود که افزون بر ارائه دیدگاهی و تعلیم نکاتی در باب ترجمه، دارای فوائد معرفتی و تربیتی نیز هست؛ باشد که خوانندگان گرامی را سودمند افتد:

«سال یکهزار و سیصد و سی و دو شمسی بود، من و عده‌ای از جوانان پر شور آن روزگار پس از تبادل نظر و بحث و مشاجره به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد که ما نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ و عاقبت تصمیم گرفتیم که نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم. والدین، کم کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. آنها هم پس از تبادل نظر با یکدیگر تصمیم گرفتند که اول خودشان با نصیحت کردن، ما را از این کار بازدارند و اگر مؤثر نبود راه دیگری برگزینند و چون پند دادن آنها مؤثر نیفتاد؛ روزی ما را به نزد یکی از روحانیون آن زمان بردند و آن فرد روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم به طرز اهانت‌آمیزی ما را کافر و نجس خواند. و این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مصرت‌ر ساخت. عاقبت یکی از پدران، آنها را یعنی والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت و روزی آنها نزد حضرت ایشان می‌روند و موضوع را با ایشان در میان می‌گذارند و ایشان دستور می‌دهند که در وقت معینی ما را به خدمت آقای ارباب راهنمایی کنند.

در روز موعود ما را که تقریباً پانزده نفر می‌شدیم به محضر مبارک ایشان بردند. در همان لحظه اول چهره نورانی و لبان خندان ایشان ما را مجذوب خود ساخت و آن بزرگمرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که اکنون با شخصیتی استثنایی مواجه هستیم. ایشان در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمودند، سپس رو به والدین ما کردند و فرمودند شما که نماز به فارسی نمی‌خوانید فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندان تنها بگذارید. وقتی آنها رفتند حضرت آیت الله ارباب رو به ما کردند و فرمودند بهتر است شما یکی یکی خودتان را به من معرفی کنید و هر کدام بگویید که در چه سطح تحصیلی هستید و در چه رشته‌ای درس می‌خوانید. پس از آن که امر ایشان را اطاعت کردیم، به تناسب رشته و کلاس هر کدام از ما پرسشهای علمی طرح کردند و از درسهای از قبیل جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسیدند که پاسخ اغلب آنها از عهده درسهای نیم بندی که ما خوانده بودیم خارج بود، اما هر یک از ما که از عهده پاسخ

پرسشهای ایشان بر نمی‌آمد با اظهار لطف حضرت ارباب مواجه می‌شد که با لحن پدرانه‌ای پاسخ درست آن پرسشها را خودشان می‌فرمودند.

اکنون ما می‌فهمیم که ایشان با طرح این سئوالات قصد داشتند ما را خلع سلاح کنند و به ما بفهمانند که آن دروس جدیدی که شما می‌خوانید من بهترش را می‌دانم ولی به آنها مغرور نشده‌ام. پس از اینکه همه ما را خلع سلاح کردند به موضوع اصلی پرداختند و فرمودند: والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید، آنها نمی‌دانند که من کسانی را می‌شناسم که، نعوذ بالله، اصلاً نماز نمی‌خوانند. شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم اما مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم به این خواسته جامه عمل بپوشم، اکنون شما به خواسته دوران جوانی من لباس عمل پوشانیده‌اید، آفرین به همت شما. اما من در آن روزگار به اولین مشکلی که برخورددم ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن مشکل را حل کرده‌اید. اکنون یک نفر از شما که از دیگران بیشتر مسلط است به من جواب دهد که بسم الله الرحمن الرحيم را چگونه ترجمه کرده است. یکی از ما به عادت محصلین دستش را بالا گرفت و داوطلب پاسخ به حضرت آیت الله ارباب شد.

جناب ایشان با لبخند فرمودند که خوب شد که طرف مباحثه ما یک نفر است، زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی‌آمدم. بعد رو به آن جوان کردند و فرمودند: خوب بفرمایید که بسم الله را چگونه ترجمه کرده‌اید؟ آن جوان گفت بسم الله الرحمن الرحيم را طبق عادت جاری ترجمه کرده‌ایم: به نام خداوند بخشنده مهربان. حضرت ارباب با لبخندی فرمودند: گمان نکنم ترجمه درست بسم الله چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست زیرا اسم علم (= خاص) است برای خدا، و اسم علم را نمی‌توان ترجمه کرد، مثلاً اگر اسم کسی «حسن» باشد نمی‌توان به او گفت «زیبا». درست است که ترجمه «حسن» زیباست اما اگر به آقای حسن بگوییم آقای زیبا حتماً خوشش نمی‌آید. کلمه الله خاص است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می‌کنند، همان گونه که یهود خدای متعال را «یهوه» و زردشتیان «اهورامزدا» می‌گویند. بنابراین نمی‌توان «الله» را ترجمه کرد، بلکه باید همان لفظ جلاله را به کار برد.

خوب «رحمن» را چگونه ترجمه کرده‌اید؟ رفیق ما پاسخ داد که رحمن را بخشنده معنی کرده‌ایم. حضرت ارباب فرمودند که این ترجمه بد نیست؛ ولی کامل هم نیست زیرا رحمن یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشنندگی او را می‌رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست، یعنی در حقیقت رحمن یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می‌کند و همه را در

کف لطف و بخشندگی خود قرار می‌دهد؛ از جمله آن که نعمت رزق و سلامت جسم و امثال آن عطا می‌فرماید. در هر حال ترجمه بخشنده برای رحمن در حد کمال ترجمه نیست.

خوب، رحیم را چطور ترجمه کرده‌اید؟ رفیق ما جواب داد که رحیم را به «مهربان» ترجمه کرده‌ایم. حضرت آیت‌الله ارباب فرمودند: اگر مقصودتان از رحیم من بودم (چون نام مبارک ایشان رحیم بود) بدم نمی‌آمد که اسم مرا به «مهربان» بر گردانید؛ اما چون رحیم کلمه‌ای قرآنی و نام پروردگار است باید آن را غلط معنی نکنیم. باز هم اگر آن را به «بخشاینده» ترجمه کرده بودید راهی به دهی می‌برد، زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می‌کند و صفت «بخشاینده» تا حدودی این معنی را می‌رساند. بنابر آنچه گفته شد معلوم شد که آنچه در ترجمه «بسم‌الله» آورده‌اید بد نیست ولی کامل نیست و از جهتی نیز در آن اشتباهاتی هست، و من هم در دوران جوانی که چنین قصدی را داشتم به همین مشکلات برخورد کردم و از خواندن نماز به فارسی منصرف شدم، تازه این فقط آیه اول سوره حمد بود اگر به بقیه آیات پردازیم موضوع خیلی غامض‌تر از این خواهد شد. اما من عقیده دارم شما اگر باز هم به این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی بردارید، زیرا خواندنش بهتر از نخواندن نماز به طور کلی است.

در اینجا، همگی شرمنده و منفعل و شکست خورده به حال عجز و التماس از حضرت ایشان عذرخواهی می‌کردیم و قول می‌دادیم که دیگر نمازمان را به فارسی نخوانیم و نمازهای گذشته را نیز اعاده کنیم، اما ایشان می‌فرمودند که من نگفتم نماز به عربی بخوانید، هر طور دلتان می‌خواهد نماز بخوانید، من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم ولی ما همه عاجزانه از پیشگاه ایشان طلب بخشایش می‌کردیم و از کار خود اظهار پشیمانی می‌نمودیم. حضرت آیت‌الله ارباب با تعارف میوه و شیرینی مجلسی را به پایان بردند و ما همگی دست مبارک ایشان را بوسیدیم و در حالی که ایشان تا دم در ما را بدرقه می‌کردند از ایشان خداحافظی کردیم و در دل به عظمت شخصیت ایشان آفرین می‌گفتیم و خوشحال بودیم که افتخاری چنین نصیب ما شد که با چنین شخصیتی ملاقات کنیم. نمازها را اعاده کردیم و دست از کار جاهلانه خود برداشتیم بنده از آن به بعد گاهگاهی به حضور آن جناب می‌رسیدم و از خرمن علم و فضیلت ایشان خوشه‌ها بر می‌چیدم.

وقتی در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بودم، گاهی حامل نامه‌ها و پیغام‌های استاد فقید، مرحوم بدیع الزمان فروزانفر برای ایشان می‌شدم و پاسخ‌های کتبی و شفاهی حضرت آیت‌الله را برای آن استاد فقید می‌بردم و این خود افتخاری برای بنده بود. گاهی نیز ورقه‌های استفتائی که به محضر آن حضرت رسیده بود روی هم انباشته می‌شد و آن جناب دستور می‌دادند که آنها را بخوانم و پس از خواندن پاسخ اگر اشتباهی نداشت آن را مهر می‌کردند.

خدایش بیامرزد و او را غریق دریای رحمت خویش کند. انه کریم رحیم.»xxx (۱) به نقل از دکتر محمد جواد شریعت، مجموعه ارباب معرفت، یاد نامه حکیم متأله، فقیه بزرگوار و معلّم اخلاق، حضرت آیة الله حاج آقا رحیم ارباب، به اهتمام و تدوین محمد حسین ریاحی، روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

مرحوم آیت الله ارباب از سرآمدان عالمان معاصر در فلسفه و فقه و اصول و ادبیات و ریاضیات و هیأت و نجوم و اخلاق و از شاگردان جهانگیر خان قشقائی، آخوند کاشی و سید محمد باقر درچه‌ای بود.

یکی از شاگردانش علامه جلال الدین همایی او را وارث علوم الاقدمین، سید الفقهاء و الحكماء العارفين می‌نماید. وی پس از یک قرن عمر با برکت در سال ۱۳۹۶ قمری در اصفهان چشم از جهان فرو بست. و در مقبره تخت فولاد به خاک سپرده شد. xxx